

تربیت سیاسی در سایه سار مکتب عاشورا

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی*

اشاره

حادثه عاشورا از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ اسلام است که نه تنها به دلیل جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی خود، بلکه از دیدگاه سیاسی نیز بسیار دارای اهمیت است. این واقعه نشان‌دهنده تعارض‌های بنیادی میان حق و باطل، فضیلت و رذیلت و در نهایت مقاومت و سازش است. بنابراین آموزه‌های عاشورا می‌تواند نقشی محوری در فرایند تربیت سیاسی افراد و جامعه‌ای ایفا کند که به دنبال بهره‌گیری از این حادثه هستند.

پس از سال ۶۱ هجری، این رویداد در عرصه رفتار سیاسی الگوی بسیاری از حرکت‌ها شده است: حرکت توأیین، مردم مدینه، قیام مختار، نهضت زید بن علی، قیام محمد نفس زکیه و ابراهیم فرزندان عبدالله... تا قیام و نهضت مقدس ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) همه و همه با الهام از عاشورا سازماندهی شده‌اند. گاندی نهضت عاشورا را الهام‌بخش خود در رهایی هندوستان می‌داند.^۱ اقبال لاهوری نیز استقلال و نجات پاکستان را مرهون قیام عاشورا دانسته است. این شاعر مسلمان و انقلابی در این باره چنین می‌سراید:

رمز قرآن از حسین آموختیم	ز آتش او شعله‌ها افروختیم
بر زمین کربلا بارید و رفت	لاله در ویرانه‌ها کارید و رفت
تیغ بهر عزت دین است و بس	مقصد او حفظ آیین است و بس
خون او تفسیر این اسرار کرد	ملت خوابیده را بیدار کرد ^۲

* دانشجوی دکترای مدیریت راهبردی.

۱. سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت، ص ۴۴۷.

2. <https://ganjoor.net/iqbal/romooz-bikhodi/sh13>.

تربیت سیاسی در جایگاه روشنگری‌بخش و پرورش آگاهی‌های سیاسی افراد و جامعه، باید از آموزه‌های عاشورا بهره‌مند گردد. حماسه عاشورا به مثابه الگویی برای تربیت سیاسی همه آحاد بشر، می‌تواند به تقویت افکار عمومی و ایجاد آگاهی سیاسی در جامعه و بصیرت ایشان کمک شایانی کند.

نوشتار حاضر به بررسی تربیت سیاسی از دیدگاه عاشورا می‌پردازد و می‌کوشد بر اساس آموزه‌های آن در تقویت و پرورش هویت سیاسی افراد و جامعه الگوی مطلوبی را تبیین کند.

مفهوم تربیت سیاسی

استاد مطهری^۱ در تعریف تربیت می‌نویسد: «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادها و درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن».^۱ استاد مصباح^۲ نیز در گفتگویی که در عنوان تربیت دینی با ایشان انجام شده بود، تربیت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تربیت، فراهم کردن زمینه‌هایی است برای اینکه استعدادها و نیروهای یک موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره‌مند شود».^۲

با مشخص شدن معنای تربیت، لازم است «تربیت سیاسی» به درستی تبیین گردد. تربیت سیاسی برگرفته از اسلام، تعریف متفاوتی در مقایسه با معنای رایج آن در نظام‌های فکری دیگری دارد. معیارهای تعریف در ادبیات اسلام، مطابق با مبانی دین هماهنگ شده و نمایی از اصول را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بازتاب می‌کند؛ برای مثال داودی و فاضلی دهکردی آن را تربیت انسانی‌هایی می‌دانند که توحید و صفات الهی را در همه رفتارهای و اقدامات اجتماعی و سیاسی به نمایش می‌گذارند.^۳

برخی هم آن را تربیت شهروندانی معرفی می‌کنند که به شناخت وظایف دینی خود اقدام می‌کنند و به آنها پایبند هستند. درواقع اسلام به وسیله تربیت سیاسی قصد دارد کارگزارانی تربیت کند که بر اساس آموزه‌های اسلام به مهارت تدبیر جامعه دست یابند و آن را اجرا کنند.^۴

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۵۵۱.

۲. گروه نویسندگان، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، ص ۲۸.

۳. محمد داودی و مهدی فاضلی دهکردی، «بررسی اهداف تربیت سیاسی در قرآن با تأکید بر مبانی و اصول تربیتی، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث»، ص ۱۹ - ۴۰.

۴. پریسا مسعودیان و سعید بهشتی، «بررسی اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه»، ص ۷ - ۲۶.

اهداف تربیت سیاسی از منظر اسلام

هدف تربیت سیاسی در اسلام، پرورش معنوی انسان‌های آزاده و بااراده است که افزون بر در نظر گرفتن مصالح اخروی، سازمان‌دهی زندگی و اموری دنیوی را هم مدنظر دارند. آنها همچنین فرهنگ و اخلاق را عوامل مؤثر و بنیادین در تربیت اسلامی اظهار می‌کنند؛ چراکه توسعه همه‌جانبه از منظر اسلام در گرو اخلاق‌مندی جامعه است.^۱

برخی نیز معتقدند هدف از تربیت سیاسی، شکوفاتر کردن استعدادهای سیاسی مریبان و پرورش ارزش‌های دینی آنان است؛ بنابراین تربیت سیاسی ابزاری است برای رسیدن به این هدف که می‌تواند انسان‌ها را افرادی مسئول در برابر خدا و مردم تربیت کند.^۲

به گونه‌ای می‌توان تربیت سیاسی را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیت اجتماعی نیز دانست که نقش حیاتی در شکل‌دهی شهروندان آگاه، مسئول و فعال ایفا می‌کند. این نوع تربیت نه تنها به تقویت دانش و بینش سیاسی افراد کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز مشارکت مؤثر در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. از اهداف تربیت سیاسی می‌توان به ایجاد بینش سیاسی،^۳ تقویت مشارکت سیاسی، پرورش مهارت‌های نقد و گفتگو، افزایش آگاهی و شناخت از مسائل کلان سیاسی، تقویت وحدت و همبستگی و درنهایت بصیرت‌افزایی اشاره کرد.

ابعاد تربیت سیاسی در نهضت عاشورا

تربیت سیاسی در عاشورا یکی از ابعاد مهم و آموزنده نهضت حسینی است که درس‌ها و عبرت‌های فراوانی برای جوامع اسلامی و انسانی ارائه می‌دهد که در ادامه به برخی از این آموزه‌ها اشاره خواهد شد.

الف) توجه به ارزش‌ها به عنوان شاخص رفتار سیاسی

یکی از مهم‌ترین ارکان تربیت سیاسی، توجه به ارزش‌هایی است که باید آنها را پاسداری کرد. قیام عاشورا و حرکت امام حسین (علیه السلام) مظهر دفاع از ارزش‌های اصیل انسانی و الهی در تاریخ اسلام است. برخی از این ارزش‌ها عبارت‌اند از:

۱. ساجده شکری و نیکو دیالمه، «مؤلفه‌های تربیت سیاسی در اندیشه سیدمحمدباقر صدر»، ص ۸۳ - ۱۱۴.
۲. رضا جعفری هرنیدی و حسن نجفی، «تربیت اجتماعی و سیاسی به روایت کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه نظری ایران»، ص ۱۵۹ - ۱۸۴.
۳. مصطفی محمد طحان، چالش‌های سیاسی جنبش اسلامی معاصر، ص ۳۳.

۱. پاسداری از دین و سنت پیامبر ﷺ

امام حسین علیه السلام در وصیت‌نامه‌اش به برادر خود محمد حنفیه هدف از قیام را احیای دین و اصلاح در امت جدش، پیامبر اسلام و نیز زنده نگه‌داشتن سنت‌های الهی بیان می‌کنند: «وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ: ۱ و من از سر مستی و طغیان و فسادانگیزی و ستمکاری قیام نکردم، تنها برای اصلاح در امت جدم به‌پا خواستم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به‌روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب رفتار نمایم».

استاد مطهری باورمند است که مقصود از اصلاح این است که وضعیت جامعه اسلامی با حکومت یزید به جایی رسیده که اگر به همین صورت بماند و اصلاح نشود، چیزی از اسلام حقیقی باقی نخواهد ماند.^۲

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «کسی مثل حسین بن علی که خودش تجسم ارزش‌هاست، قیام می‌کند؛ برای اینکه جلو این انحطاط را بگیرد؛ چون این انحطاط می‌رفت تا به آنجا برسد که هیچ چیز باقی نماند که اگر یک وقت مردمی هم خواستند خوب زندگی کنند و مسلمان زندگی کنند، چیزی در دستشان نباشد. امام حسین می‌ایستد، قیام می‌کند، حرکت می‌کند و یک‌تنه در مقابل این سرعت سراسیمه سقوط قرار می‌گیرد».^۳

۲. آزادی و آزادگی

اگرچه آزادی و آزادگی در بیشتر موارد در کنار یکدیگر به کار می‌روند، تفاوت‌هایی از نظر مفهومی میان آنها وجود دارد. «آزادی» در تضاد با بردگی، اصطلاحی حقوقی و اجتماعی و به معنای رهایی تن از اسارت و خلاصی از تنگنای زندگی و انتخاب آگاهانه مسیر حق است؛ درحالی‌که «آزادگی» برتر از آزادی است و نوعی رهایی از قیدوبندهای ذلت‌آور را نیز دربر می‌گیرد و به معنای رهایی عقل و جان آدمی از زندان نفس و شهوت و گام برداشتن در وادی

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۲۹۲.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۸/۰۲/۱۳۷۷؛ در:

عشق و حیرت است.^۱

روحیه آزادی خواهی و آزادگی امام حسین (علیه السلام) در عاشورا به اوج خود رسید. او حاضر نشد در برابر ظلم و فساد سر خم کند و تا پای جان بر اصول و ارزش های خود ایستاد.

۳. عزت مداری و ذلت گریزی

در تربیت سیاسی در کنار حفاظت از ارزش ها، باید محوریت رفتارهای سیاسی بر اصل عزت مداری و ذلت گریزی صورت گیرد. از مهم ترین آموزه های تربیتی عاشورا، تأکید بر عزت نفس و نپذیرفتن ذلت هم به لحاظ فردی است و هم اجتماعی است؛ به این معنا که هم فرد باید عزت مدار باشد و هم جامعه ای که این فرد در آن زیست می کند؛ چراکه اگر جامعه ای زیست عزت مدارانه نداشته باشد، افراد آن جامعه به لحاظ هدایت اجتماعی به سمت ذلت سوق داده خواهند شد و رفتارهای فردی نمی تواند تأثیرات زیادی در این امر داشته باشد.

در حادثه کربلا و سیره امام حسین (علیه السلام)، عزت مداری و ذلت گریزی به طور برجسته و الهام بخش جلوه گر شده است. امام حسین (علیه السلام) در پاسخ به درخواست بیعت با یزید به صراحت می فرماید: «مثلی لایبایع مثله»^۲ چون منی با چون اویی بیعت نمی کند». امام حاضر نشد برای حفظ جان یا موقعیت خود، زیر بار ذلت بیعت با حاکم فاسد و ظالم برود.

رهبر معظم انقلاب در این باره می فرماید: «یزید می خواست امام حسین (علیه السلام) را مجبور کند به جای اینکه مردم را ارشاد و هدایت فرماید و گمراهی آن حکومت ظالم را برای آنان تشریح نماید، بیاید حکومت آن ظالم را امضا و تأیید هم بکند. امام حسین (علیه السلام) فرمود "مثلی لایبایع مثله"؛ حسین (علیه السلام) چنین امضایی نمی کند. امام حسین (علیه السلام) باید تا ابد به عنوان پرچم حق باقی بماند؛ پرچم حق نمی تواند در صف باطل قرار گیرد و رنگ باطل بپذیرد»^۳.

امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا در خطبه ای در مقابل لشکریان عمر سعد چنین فرمود: «أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَّزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السُّلَّةِ وَالذِّلَّةِ وَهِيَ هَاتِئِنَّا يَأْبَى اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهُرَتْ وَأَنْفُ حَمِيَّةٍ وَنُفُوسٌ أَبْيَّةٍ مِنْ أَنْ تُؤْثِرَ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ

۱. جواد محدثی، پیام های عاشورا، ص ۵۵.

۲. علی بن موسی سید بن طاووس، الالهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۳.

۳. بیانات معظم له در یادگان دوکوهه ۹/۰۱/۱۳۸۱؛ در:

الکرام: ^۱هان، این ناکس پسر ناکس مرا میان دو چیز مخیر کرده است: میان شمشیر و تن‌دادن به خواری. و هیهات که ما تن به ذلت و خواری دهیم. خدا و رسول او و مؤمنان و دامن‌های پاک و مطهر [ی که ما در آن پرورش یافته‌ایم] و دل‌های غیرتمند و جان‌های بزرگ‌منش، این را بر ما نمی‌پذیرند که فرمانبری از فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم». هرکس بزند حرف امان‌نامه و تسلیم «هیاهات منا الذله» فقط بر لبمان است بیزار ز نیرنگ فریبنده دنیا گفتیم فقط خیمه تو خط امان است جز بیرق سرخ تو نداریم به شانه زیر علمت امن‌ترین جای جهان است

ب) توجه به نقش زنان در عرصه اجتماع و سیاست

نقش زنان حاضر در صحنه کربلا چیزی فراتر از حمایت‌های عاطفی و خانوادگی بود و به عرصه‌های مهم اجتماعی و سیاسی نیز کشیده شد. زنان حاضر در کربلا و پس از آن نقشی کلیدی در تداوم و پیام‌رسانی نهضت عاشورا ایفا کردند. توجه به این امر که مسائل سیاسی خاص مردان است و زنان در آن نقشی ندارند، یک امر نادرست و اشتباهی است.

امام خمینی علیه السلام بنیان‌گذار انقلاب اسلامی که قیام امام حسین علیه السلام را الگوی خود در پی‌ریزی این انقلاب قرار داد، درباره نقش زنان در امور سیاسی می‌فرماید: «خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف‌شان این است». ^۲ نیز در سخنی دیگر می‌فرماید: «زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم‌دوش مردها باشند. البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است». ^۳

در ادامه به برخی از مصادیق حضور زنان و ایفای نقش سیاسی در حادثه کربلا اشاره می‌شود.

۱. حمایت و تشویق مردان به مبارزه

زنان با تشویق و تهییج همسران و فرزندان خود، آنان را به حضور در میدان نبرد و دفاع از حق ترغیب کردند. این نقش تربیتی و انگیزشی، در تصمیم‌گیری مردان برای ایستادگی و شهادت بسیار مؤثر بود. این رفتار را می‌توان نشانی از بصیرتی دانست که این افراد در سایه‌سار تربیت

۱. علی بن موسی سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۹۷.

۲. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۵ - ۱۷.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۴۰۳ - ۴۰۵.

سیاسی حسینی بدان دست پیدا کردند.

زن زهیر بن قین بجلی با تشویق شوهر خویش به پیوستن به امام حسین علیه السلام نام خود را در تاریخ پرافتخار برای همیشه ثبت کرد. وقتی فرستاده امام نزد زهیر آمد و او را خواست، همسر زهیر (دلهم دختر عمرو) به زهیر که ابتدا نمی خواست نزد حسین علیه السلام بیاید، گفت: سبحان الله چه مانعی دارد که نزد وی شرفیاب شوی و سخن او را بشنوی و باز آیی؟^۱ زهیر تحت تأثیر سخنان همسرش نزد امام حسین علیه السلام آمد و آن تحول روحی در او ایجاد شد و سپس از یاران باوفای امام حسین علیه السلام شد و در کربلا به شهادت رسید.

زهیر و همه همراهان زین پیام
 زحیرت همه رنگ خود باختند
 به ناگه عیالش برآشفست سخت
 که هان از چه رو می زنی پا به بخت
 حسین است می خواندت یا زهیر! اجابت کن اینک که خیر است خیر

از دیگر مصادیق این مورد می توان به تشویق و ترغیب اموهب^۲ در فرستادن شوهر (عبدالله بن عمیر کلبی)^۳ و فرزندش^۴ به مبارزه و نیز مادر عمر بن جناده اشاره کرد که نوجوان یازده ساله خویش را به سمت میدان جهاد فرستاد^۵ و چه زیبا فرزندش رجز خوانی می کرد که: امیری حسین و نعم الامیر.^۶

۲. پیام رسانی و زنده نگه داشتن نهضت

مهم ترین رسالت زنان به ویژه حضرت زینب علیها السلام، بازگو کردن حوادث کربلا، رساندن پیام امام حسین علیه السلام و افشاگری علیه ظلم بنی امیه بود. خطبه های حضرت زینب علیها السلام در کوفه و شام، نهضت عاشورا را از تحریف نجات داد و ماهیت ظلم یزیدیان را برای جامعه اسلامی آشکار کرد. حضرت زینب علیها السلام با سخنان جان سوز خویش همگان را به گریه می انداخت و می کوشید در هر فرصتی با یادآوری مصایب امام حسین علیه السلام در ماندگاری این حماسه عظیم نقش ایفا کند.

۱. ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۹۴.

۲. تنها زن شهید در حادثه کربلا.

۳. عزالدین ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۱۷۹.

۴. محمد بن علی ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۰۴.

۵. محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۳.

۶. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵.

استاد مطهری در این باره می‌نویسد: «مجلس عزای حسین علیه السلام را برای اولین بار زینب برپا کرد».^۱ در شام نیز حضرت زینب علیها السلام در محله‌ای به نام «دار الحجاره» که محل اقامت اسرا بود، مجلس عزاداری برای امام حسین علیه السلام برپا کرد؛ به گونه‌ای که یزید از حضور اهل بیت علیهم السلام در شام احساس خطر کرد و دستور بازگشت آنها را به مدینه صادر کرد.^۲

ج) نفی جدایی دین از سیاست

امام حسین علیه السلام با قیام خود نشان داد که دین و سیاست دو ساحت جدا از هم نیستند. او از همان ابتدا در برابر درخواست بیعت با یزید، نه تنها در جایگاه فردی دیندار، بلکه به عنوان یک رهبر سیاسی و اجتماعی موضع گرفت. امام حسین علیه السلام به ولید بن عتبه والی شهر مدینه گفت: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبُطُ الرَّحْمَةِ بَنَّا فَتَحَ اللَّهُ وَبَنَّا يَخْتِمُ؛ وَيَزِيدُ رَجُلٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحْتَرَمَةِ مُغْلِبُ الْفُسْقِ وَمِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ وَلَيْكُنْ نُصَبِحُ وَتُصْبِحُونَ وَنُظَرُ وَتَنْظُرُونَ أَتَيْنَا أَحَقَّ بِالْخِلَافَةِ وَالْبَيْعَةِ»^۳ ما میم خاندان نبوت و معدن رسالت، خاندان ماست که محل رفت و آمد فرشتگان و محل نزول رحمت خداست. خداوند اسلام را از خاندان ما شروع و افتتاح کرد و تا آخر همگام با ما به پیش خواهد برد. اما یزید، مردی است شرابخوار که دستش به خون افراد بی‌گناه آلوده گردیده، او علنی مرتکب فسق و فجور می‌شود. شخصیتی همچون من با چنین مردی بیعت نمی‌کند و ما و شما به گردش روزگار صبح می‌کنیم و منتظر می‌مانیم تا معلوم گردد کدام یک سزاوار خلافت و شایسته بیعت مردم است».

این سخن به خوبی تبیین می‌کند که میان مسجد و حکومت ارتباط برقرار است؛ بنابراین کسی نمی‌تواند خود را متدین بداند و درباره حکومت و حاکمان و مسائل سیاسی کشورش بی‌توجه باشد. امام حسین علیه السلام در گفتگوی خود با فرزندی که در مسیر مکه به کوفه در منزل «صفاح» می‌فرماید: «یا فرزندی! ان هولاء قوم لزموا طاعة الشيطان وتركوا اطاعة الرحمن و اظهروا الفساد في الارض، و ابطلوا الحدود و شربوا الخمر و استاثروا في اموال الفقرا و المساكين و انا اولی من قام بنصرة دين الله و اعزاز شرعه و الجهاد في سبيله لتكون كلمة الله هي العليا»^۴ امام علیه السلام در این سخنان، بنی‌امیه را نخستین سکولارهای واقعی در درون جامعه اسلامی معرفی می‌کند که به

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲. عمادالدین حسن بن علی طبری، کامل بهایی، ص ۶۴۴؛ حسن الهی، زینب کبری علیها السلام، ص ۱۷۰.

۳. لوط بن یحیی ابو مخنف کوفی، وقعة الطف، ص ۸۱.

۴. گروه نویسندگان، موسوعه کلمات امام حسین علیه السلام، ص ۳۳۶.

دنبال کنار نهادن دین از عرصه حکومت و حکومت‌داری هستند؛ سپس هدف خویش را مقابله با آنان و برپایی دین الهی می‌داند. امام علیه السلام در ادامه، «برتری کلمة الله» را فلسفه حکومت بیان می‌کنند که این امر واضح است که برپایی دین اسلام به طور کامل، سعادت دنیوی و اخروی افراد را تضمین خواهد کرد.

کتاب‌نامه

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ ش.
۲. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۱ ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، مترجم: احمد فهری زنجانی، تهران: نشر جهان، ۱۳۴۸ ش.
۴. ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، محقق / مصحح: یوسفی غروی، محمد هادی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۵. الهی، حسن، زینب کبری، تهران: مؤسسه فرهنگی آفرینه، ۱۳۷۵ ش.
۶. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه، ۱۳۸۵ ش.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب اشراف، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
۸. جراحی دربان، مهدی؛ مجید بابازاده و رمضانعلی رودمقدس، «مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن»، بصیرت و تربیت اسلامی، س ۱۱، ش ۳۱، ۱۳۹۵ ش.
۹. جزایری، نورالدین، الخصائص الزینیه، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. جعفری هرنندی، رضا و حسن نجفی، «تربیت اجتماعی و سیاسی به روایت کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه نظری ایران»، مجله مطالعات برنامه درسی، س ۱۳، ش ۵۲، ۱۳۹۸ ش.
۱۱. حلی، ابن نما، مثیر الاحزان، مترجم: علی کرمی، قم: حاذق، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸ ش.
۱۳. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، قم: انوار الهدی، ۱۴۲۳ ق.
۱۴. داودی، محمد و مهدی فاضلی دهکردی، «بررسی اهداف تربیت سیاسی در قرآن با تأکید بر مبانی و اصول تربیتی»، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، س ۱، ش ۲، ۱۳۹۴ ش.

۱۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران: نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱ ش.
۱۷. سپهر، محمدتقی بن محمدعلی، ناسخ التواریخ، تهران: نشر اسلامیه، ۱۳۵۱ ش.
۱۸. شکری، ساجده و نیکو دیالمه، «مؤلفه‌های تربیت سیاسی در اندیشه سیدمحمدباقر صدر»، فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، س ۱۲، ۲ ش.
۱۹. طباطبایی، محمدرضا، صرف ساده، قم: دار العلم، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. طبری، عمادالدین حسن بن علی، کامل بهایی، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۳ ش.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوك)، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر صالحین، ۱۳۹۴ ش.
۲۲. طحان، محمد، چالش‌های سیاسی جنبش اسلامی معاصر، مترجم: خالد عزیزی، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۱ ش.
۲۳. گروه نویسندگان، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، [بی‌تا].
۲۴. گروه نویسندگان، موسوعة کلمات امام حسین علیه السلام، قم: نشر معروف، ۱۳۷۳ ش.
۲۵. گروه نویسندگان، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
۲۶. مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. محدثی، جواد، پیام‌های عاشورا، قم: زمزم هدایت، ۱۳۹۰ ش.
۲۹. محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، قم: اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۳۰. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، مترجم: محمدجواد نجفی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۳۱. مسعودیان، پریسا و سعید بهشتی، «بررسی اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج‌البلاغه»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، س ۲۰، ۱۷ ش، ۱۳۹۲ ش.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی، آذرخش دیگر از آسمان کربلا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
۳۳. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیه، [بی‌تا].

۳۴. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۳۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۸۴ ش.
۳۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۳۷. هاشمی نژاد، سیدعبدالکریم، درسی که حسین علیه السلام به انسان ها آموخت، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۸۶ ش.
۳۸. سایت مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir>